

### یادداشت

### مالایق

## معماری زیبای خود هستیم

در واقع یونگ به این مفهوم دست یافت که خودآگاه ما از اساطیر و تصاویر از پیش موجود یا به تعبیر یونگ «کهن‌الگوها» تأثیر می‌پذیرد؛ از جمله کهن‌الگوی پیر خردمند، سادر اعظم، درخت زندگانی، سردمّت و امر مقدس. ما همین حس را در گنجینه شعر و ادبیات کهنِ خودمان هم داریم، به‌خصوص در خیام و دید خاص اش به گردش ییچاپیچی دوران. این مقدمه را به این دلیل آوردم که امروز به اهمیت مکانیسم‌های خلق فضای زندگی در شهرهایمان بپردازیم. ما در گذشته‌مان معماری غنی خود را داشته‌ایم که فرهنگ و شخصیت اجتماعی پدرانمان را می‌ساخت و از آن تأثیر می‌گرفت. تمام آن سردرهای ورودی، هشتی‌های مجلل یا ساده، دالان‌هایی که به فضای حیاط راه می‌بردند، آن فضای محکم و هندسی حیاط مرکزی که با حوض و درخت، لطافت و خنکا را به درون می‌آورد و سپس فضاهای تابستانی و زمستانی خانه در مقابل هم و اتاق‌های مختلف مرتبط با راهروهای داخلی و تریینات ویژه و… و البته ایوان‌ها و مهتابی‌ها و پستوهای پنهان، مطبخ و حمام و حیاط‌های پشتی و ده‌ها مکان فکرشده و زیبا که به زندگی، زیبایی و رونق می‌بخشید. اما امروز از اینها دیگر خبری نیست و اگر باشد هم در شرف زوال و تخریب‌اند.

اینجاست که گفتمان صاحب‌نظرانی مانند عبدالرضا گلپایگانی یا حافظ عبدالکریمی که قبلا گفتم، خالی از لطف نیست. گلپایگانی معتقد است: «فضای زندگی برای شکل‌دادن به معنای زندگی ساخته می‌شود. فضا یا جای گاه بدون معنا به «مکان» یا «بارگاه» تبدیل نمی‌شود و از آنجا که در این ازدحام پرتراکم شهرمان معنای زندگی از فضای سکونت در تهران رخت بر بسته است، مرور معماری ضروری می‌نماید.» او می‌گوید: «معماری ایرانی همچون یک موجود زنده خود را با تفسیر زندگی بهتر دیگرگون می‌کرده و با درک حکیمانانه از اقلیم، فرهنگ، رفتار، فن ساخت و… ماهیت اساسی خود یعنی مکان‌مندکردن فضا را پاس می‌داشته است. اکنون این بافت زنده رو به انقراض است.

ما راه درست پاسداری از این گوهر را نیاموخته‌ایم. شورای عالی شهرسازی و معماری ۶۰ سال است با هدف «اعتلای هنر معماری و شهرسازی ایرانی» تشکیل شده است. دریغ از راه‌حل و ارزیابی و بازبینی و بهبود!». از سوی دیگر، سوداگری ملک و ولع سیری‌ناپذیر آن کمیت و پول را بر همه‌چیز حاکم کرده است.

از اساسی‌ترین مشکلات امروز شهرسازی، تهدید جدی کیفیت بافت‌ها و بناها و ارزش‌های تاریخی، فروش تراکم در مناطق گران شهر برای کسب سود بیشتر است، سودی که به بهای بربادرفتن ارزش‌های شهر، به‌نفع نخبه‌حان قدرت و مالکان زیاده‌خواه زمین به دست می‌آید.

مهندس گلپایگانی که خود دوره کوتاهی اخیرا معاون شهرسازی شهرداری تهران بوده و مسائل را از نزدیک تجربه کرده است، می‌گوید: «میدان سیاسی و ناآگاه، کارنابلد و امانت‌خوار که فرصت مدیریتشان را به توزیع رانت و کسب ثروت و ایجاد جایگاه برای خودشان تبدیل می‌کند و سیراب‌کردن هواداران سیاسی و نوچه‌پروری را جایگزین رفتارهای مدنی می‌کند، مشکل دیگر ماست. از سوی دیگر، میراث‌دارانی که به‌هه ارث پدری بی‌هیچ زحمتی دست یافته‌اند یا ناآگاهی و کدرناشناسی به ارزش دارایی خود، به آسانی آن را طعمه سوداگران کرده و می‌فروشند». به این ترتیب کاهش منزلت بناها و ارزش‌های تاریخی، مقدمه فرسوده و فرتوت‌شدن و فقای این بناها می‌شود. حال پرسش این است که ما چگونه باید این بناهای زیبای نماینده روح و تمدن ایرانی را ارج نهمیم و حفاظت کنیم یا پای درس‌هاشان بنشینیم تا به معماری امروزمان مدد رساند؟

امروز شورای‌عالی شهرسازی با حضور وزیر دانا و فرهیخته‌مان ظرفیت بالایی یافته است. اما متأسفانه جوامع حرفه‌ای معمار و شهرساز آن‌طور که باید و شاید برای هدف احیا و مرمت شهرهای تاریخی فعال، علاقه‌مند یا مرحج نیستند که جای بسی تأسف دارد.

اگر حرفه‌مندان به‌جای سودای انتقال پایتخت و پرداختن به حواشی آن، در کنار طرح توسعه سواحل جنوب کشور، کمی هم به آن ۱۶۸ شهری که حفاظت از بافت تاریخی‌شان رسما توسط وزارتخانه تأیید شده نیز فکر می‌کردند و اکنون که «قانون حمایت از مرمت و احیا» ظرفیت‌های نوینی پیش پای مدیران گذاشته، موضوع انتقال حق توسعه را قانونی کرده و کمر همت به احیا و توانمندسازی واقعی این شهرها می‌بستند، شاید کنشایی حاصل می‌شد و روندی شایسته ایران‌زمین یا می‌گرفت. به امید همت‌ها.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

پس از چندسالی که انتقال پایتخت ایران از تهران به شهر و منطقه دیگری مطرح شده بود، بار دیگر این فکر و بحث رخ داده است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور تازه انتخاب شده، اظهار کرده است که به دلیل وجود مشکلاتی مانند کمبود آب، فرورنشست زمین و آلودگی، به نظر می‌رسد که هیچ گزینه‌ای جز جابه‌جایی مرکز سیاسی و اقتصادی کشور وجود نداشته باشد. این اولین بار نیست که یک رئیس‌جمهور ایران چنین ایده‌ای را مطرح می‌کند. در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، گفت‌وگوها و سپس تلاشی برای غیرمتمرکزکردن تهران با جابه‌جایی برخی از دفاتر دولتی و نهادهای دولتی به شهرهای استان‌های دیگر انجام شد.
باین‌حال، این تلاش ناموفق بود و منجر به هزینه‌های مادی و از دست رفتن منابع انسانی درخور توجهی شد. این بار مطرح‌کردن این موضوع از طرف رئیس‌جمهور جدید به نظر می‌رسد که توجه بیشتری را به خود جلب کرده، تا حدی که بحث‌ها و تبادل‌نظرهای درخور توجهی در ایران درباره آن انجام شده است. حرفه‌مندانی مانند برنامه‌ریزان شهری و معماران و دیگر افراد نگران شرایط موجود در تهران، به این گفت‌مان وارد شده‌اند که خود نکته‌ای ارزشمند است. حتی در خارج از ایران، به‌ویژه در میان ایرانیان علاقه‌مند به سرزمین مادری، توجه‌هایی به این موضوع جلب شده است. شکی نیست که زمانی طول خواهد کشید تا مشخص شود این فکر و پیشنهاد چقدر جدی، مبتنی‌بر واقعیت و واقع‌بینانه است یا اینکه گفتاری در راستای بیان‌های سیاسی و با اهداف خاصی است. فقط گذشت زمان واقعیت را به آزمایش خواهد گذاشت. در جایگاه یک برنامه‌ریز شهری و دغدغه‌مند شرایط کنونی و آینده وطن همیشگی‌ام ایران، نکاتی درباره مقوله فکر انتقال تهران به‌منابۀ پایتخت را در دو بخش مطرح می‌کنم.

بخش اول این مقاله، به ارائه یک مقدمه و بحث درباره تجربیات تلاش‌های مشابه در دیگر نقاط جهان، به‌ویژه در کشورهای با خصوصیات نزدیک به ایران می‌پردازد. همچنین سعی می‌شود برخی از درس‌های آموخته‌شده از آن تلاش‌ها ارائه شود. بخش دوم، به بررسی مزایا و معایب (جنبه‌های مثبت و منفی) احتمالی انتقال تهران، پایتخت و کلان‌شهر ایران خواهد پرداخت. در بحث من، نگاهی به میزان مقبول و واقع‌گرایانه‌بودن فکر انتقال پایتخت ایران نیز خواهد بود، با این امید که به‌راستی درباره انتقال پایتخت نیت واقعی وجود دارد و فقط گفت‌وگوی مردم‌پسندانه و از روی سیاست نیست.

#### تجربه‌ها و درس‌هایی از پایتخت‌های جدید در کشورهای دیگر

انتقال پایتخت شهری تصمیم پیچیده‌ای است که ابعاد و پیامدهای مختلفی برای هر دو پایتخت قدیمی و جدید در بر دارد. این تصمیم می‌تواند به دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عوامل دیگر اتخاذ شود و قطعا تأثیرات شهری و محیطی بر شهروندان نتهنها پایتخت قدیم و جدید، بلکه برای تمام کشور خواهد داشت. واقعیت‌هایی که باید با توجه به تأثیرات انسانی و اجتماعی-اقتصادی-سیاسی درخور توجه، مورد توجه قرار گیرند. چنین واقعیت‌هایی شامل، اما نه محدود به شرایط اقلیمی، یافتن موقعیت مناسب، برنامه‌ریزی، طراحی، بودجه‌بندی و تأمین هزینه برای ایجاد پایتخت یا شهر جدید و بازآفرینی پایتخت قدیمی می‌شود. همچنین توجه جدی و معقول به زیرساخت‌ها و منابع آنها و برنامه‌ریزی و اجرای صحیح جداسازی مراکز سیاسی و اداری از وظایف فرهنگی و اقتصادی در هر دو شهر است. برای ارائه یک دیدگاه تجربی، بررسی تجربیات کشورهایی که مشابه یا نه به طور درخور توجهی متفاوت از ایران هستند، می‌تواند اهمیت داشته باشد. در این راستا و برای این آگاهی‌یافتن، کشورهایی نظیر مصر، اندونزی، برزیل، نیجریه و ساحل عاج به عنوان نمونه برای این یادگیری انتخاب شده‌اند. به عنوان مثال، مصر درحال‌حاضر درحال ساخت پایتخت جدیدی برای کاهش فشار جمعیت و تمرکز شهری بر پایتخت قدیمی خود، قاهره، است. مشابه آن، اندونزی در پاسخ به چالش‌هایی که جاکارتا با آنها مواجه بوده است، از جمله آلودگی، ترافیک و بالابردن سطح دریا، درحال برنامه‌ریزی برای پایتخت جدیدی است. کشورهای دیگری نیز در صحنه جهانی پایتخت‌های خود را جابه‌جا کرده‌اند و درس‌های ارزشمندی از تجربیات خود برای دیگریانی که قصد چنین اقدامی را دارند، به جای گذاشته‌اند. به‌راستی این تجربیات، آموختنی هستند. برایا، در کشور برزیل، یک پایتخت ساخته‌شده برای یک هدف و منظور خاص است. این پایتخت در دهه ۱۹۵۰ میلادی (دهه ۳۰ خورشیدی) تأسیس شد. هدف آن جابه‌جایی پایتخت از ریو دو ژانیرو به مکانی نزدیک‌تر به مرکز جغرافیایی کشور بود. به طور مشابه، پایتخت نیجریه در سال ۱۹۹۱ از لاکوس به ابوجا منتقل شد؛ به دلایل مشابه، از جمله جمعیت زیاد و مرکزی بسیار مشکل برای مدیریت مناسب در جایگاه یک مرکز فرهنگی و اقتصادی که عملکردهای اداری در آن به‌سختی پیش می‌رفت. نمونه دیگری، یاموسوکرو، پایتخت ساخته‌شده ساحل عاج است که در سال ۱۹۸۳ به منظور جایگزینی ابیجان به عنوان پایتخت اقتصادی تأسیس شد. به وجود آمدن

# انتقال پایتخت ایران؛ نجات تهران

#### دیدگاهی واقع‌گرایانه یا انتظاری خوش‌بینانه؟<sup>(۱)</sup>



علی‌کیافر

معمار، شهرساز، پژوهشگر، استاد‌دانشگاه‌در آمریکا

این پایتخت‌ها سوآلاتی درباره نقش یک شهر به عنوان مرکز اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی و اداری مطرح می‌کند. آنها نشان می‌دهند که چگونه یک رویکرد واحد و تصمیم و برنامه‌ریزی از بالا به پایین می‌تواند بر نتیجه شهرهای جدید تأثیر بگذارد. آنها همچنین سوآلاتی درباره انواع زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی شهری و حتی معماری مناسب برای یک شهر صرفا اداری مطرح می‌کنند. این مقاله با بررسی و مقایسه اقدامات و واکنش‌های این سه پایتخت به بررسی این روایا می‌پردازد.

#### رویکرد و اجرا از بالا به پایین، یا رشد طبیعی و سازگار با شرایط زمینه‌ای

پایتخت‌های جدید براساس مدل‌های منطقی و جامع، با تأکید بر طرح‌های بزرگ کشوری و حتی منطقه‌ای ایجاد شدند. کارشناسان از رویکردهای از بالا به پایین در برنامه‌ریزی استفاده کردند، با هدف شکستن سنت‌ها و آغاز تغییرات اجتماعی. شخصیت شهر جدید از طرف طراحان و برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای تعیین شد؛ به‌جای اینکه ویژگی‌های شهر جدید به طور ارگانیک در طول زمان تکامل یابد. این رخداد و نبود یک روند خودساز و خودتعیین‌کننده، به دلیل اندازه و مقیاس شهر جدید، اغلب منجر به ایجاد فاصله میان شهر و ساکنان آن پروژه‌ها شده‌اند. به طور مثال، برازیلیا و ابوجا نمونه‌هایی از شهرهایی هستند که برای مالکان خودرو طراحی شده‌اند، با توجه محدود به حمل‌ونقل عمومی، به‌ویژه برای کسانی با بودجه محدود و نبود دسترسی آسان به مالکیت خودرو، حتی اگر چنین هدفی مورد نظر و خواست تصمیم‌گیرنده‌های سیاست‌های شهری و کشور بوده باشد. طراحی متمرکز بر خودرو منجر به وابستگی زیاد جمعیت شهری به خودروها می‌شود و پیاده‌روها و توجه به پیاده‌روندگان را نادیده می‌گیرد. همچنین مشخصا گروه‌های اجتماعی خاص مانند افراد کم‌درآمد و معلولان را کنار می‌گذارد. این دیدگاه همچنین امکان‌پذیری طرح‌های آینده برای حمل‌ونقل عمومی مؤثر را دشوار می‌کند.

#### زوال شهری و بافت‌های فرسوده‌شده

زمانی که شهرها موقعیت کلیدی خود به عنوان پایتخت را از دست می‌دهند، بسیاری از عملکردهای اداری و سیاسی به پایتخت جدید منتقل می‌شود و ساختمان‌های فیزیکی که روزی محل استقرار این‌ عملکردها بودند، خالی هستند یا به طور درخور توجهی کمتر استفاده می‌شوند. متأسفانه پیامدهای این جابه‌جایی‌ها اغلب به‌درستی برنامه‌ریزی نمی‌شود. این نبود برنامه‌ریزی، منجر به ایجاد ساختمان‌های متروکه می‌شود. آنچه بر سر ریو دو ژانیرو در برزیل آمد، نمونه بارزی از چنین نتیجه نامطلوبی است. زمانی که برازیلیا به عنوان پایتخت جدید انتخاب شد، ساختمان‌های اداری در ریو غیرقابل استفاده برای عملکردهای دولتی شدند. باین‌حال به دلیل رشد سریع جمعیت بی‌خانمان در ریو دو ژانیرو، پروژه‌های قرارگیری سازمان‌یافته جمعیت -و حتی اشغال غیرقانونی و از پیش برنامه‌ریزی‌نشده- برای استفاده مجدد از این ساختمان‌های متروکه به عنوان خانه برای فقرا به وجود آمده است. از طریق سیاست‌های وضع‌شده، اشغال‌کنندگان پس



از پنج سال حق قانونی برای ماندن پیدا می‌کنند؛ اگرچه تأسیس این حق در عمل چالش‌برانگیز بوده است. درباره لاکوس، پایتخت سابق نیجریه، به دلیل از دست دادن موقعیت شهر به عنوان پایتخت، ساختمان‌های زیادی متروکه شده‌اند. در ناحیه تجاری و مرکز شهر، ساختمان‌های بسیاری، هرکدام تا حتی پنج طبقه به این سرنوشت دچار شده‌اند. از آنجا که دولت از پرداخت صحیح و برنامه‌ریزی‌شده به این ساختمان‌ها غفلت کرده است، افراد بی‌خانمان آنها را به اشغال خود درآورده و آنها را تبدیل به نوعی زاغه‌نشینی دائمی کرده‌اند. این وضعیت منجر به ایجاد بافت شهری پر از بناها و معماری بدون استفاده شده است.

#### نبود توازن در توسعه شهری

پایتخت‌های جدید اغلب طراحی ساختمان‌های دولتی، بناهای یادبود و ساختمان‌های شاخص را در اولویت قرار می‌دهند تا قدرت حکومت را به نمایش بگذارند و به نوعی مستقیم و غیرمستقیم در نظر داشته باشند که جامعه آنها و اقداماتشان را ستایش کنند. این رویکرد در توسعه شهری، سازه‌های عظیم و بزرگ را ایجاد می‌کند که با این دیدگاه که رابطه ساکنان و عناصر شهر تقویت شود. باین‌حال این پروژه‌های جاه‌طلبانه، حتی اگر از طرف نهادهای سیاسی با توانمندی و منابع کافی و نیت‌های خوب اجرا شود، باید واقعیت‌های اقتصادی کشورهای خود را در نظر بگیرند. کم نیستند پروژه‌های شهر و شهرک‌سازی و معماری عظیم که برای شرایط و وضعیت اقتصادی این کشورها مناسب نباشند. با وجود این واقعیت، دولت‌های خودمحمور و طالب بزرگ‌نمایی، به ایجاد چنین پروژه‌هایی دست می‌زنند؛ اما در عمل سیاست‌های بلندپروازانه به شکست منتهی می‌شود. نمونه بارز این رخداد، شهر یاموسوکرو است که بسیاری از توسعه‌های بزرگ پیشنهادی به دلیل بحران اقتصادی پیش‌بینی‌نشده یا از پیش محتمل دانسته‌شده، نیمه‌کاره باقی مانده‌اند. به همین دلیل، شهر اکنون شامل اراضی پراکنده با فقط چند ساختار معماری بزرگ است؛ نمادی آشکار از ساخت و توسعه شهری بی‌توازن. تأکید بیش‌از‌اندازه نیست که برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های معماری باید انتظارات خود از ساخت‌وساز جدید را با واقعیت‌های اقتصادی زمینه‌های شهری و ایالتی و کشوری خود سازگار کنند. این نیاز به برنامه‌ریزی شهری دقیق و برپایه علمی و روش‌های شناخته‌شده، شامل ساختن طرح‌هایی می‌شود که با نبود قطعیت و تغییر شرایط بتواند سازگار باشد؛ حتی اگر به دنبال به رخ کشیدن اهداف نمادین و نمایش قدرت نظام حاکم باشد. با ادغام استراتژی‌های طراحی تدریجی و مرحله‌به‌مرحله (به‌اصطلاح فازبندی‌شده) که معمولا در ساخت و توسعه پروژه‌های مسکن اجتماعی و گروهی استفاده می‌شود، در ساخت بناها، حتی بناهای شاخص و نمایان‌کننده قدرت، می‌توان به رویکردی پایدارتر و عملی‌تر دست یافت.

#### از دست دادن منابع طبیعی

کشور برزیل به دلیل جنگل‌های وسیع و گسترده‌اش شناخته شده است. باین‌حال، درباره برازیلیا، ۷۳ درصد، یعنی نزدیک به سه‌چهارم از بافت شهری موجود هنگام تأسیس پایتخت جدید تخریب شد. این تخریب شامل ساختمان‌های دولتی، مناطق مسکونی و تجاری، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و دیگر توسعه‌های ضروری بود. متأسفانه طراحی این ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها، نه‌تنها تلاشی برای جایگزینی جنگل‌های وسیع از دست رفته نکرد، بلکه منجر به تأثیر منفی بر اقلیم و محیط زیست -به‌ویژه بخش‌های حیاتی آنها- شد. در مقابل درسی که در اندونزی از این اتفاق ناهنجار در برزیل گرفته شد، تامل‌برانگیز است. با یادگیری از پیامدهای جنگل‌زدایی در برازیلیا، مقامات درگیر در توسعه پایتخت جدید اندونزی با اطمینان تلاش کردند و در عمل ممکن ساختند که بیشتر اراضی برنامه‌ریزی‌شده برای تبدیل به فضای شهری‌شدن شامل کاشت‌های درخت اکالیپتوس به‌جای تولید جنگل‌های استوایی و درخت‌های بومی از نوع ناپایدار باشد. باین‌حال و حتی با وجود موفقیت در این زمینه، گروه‌های طرفدار نگهداری زیست‌محیطی نگرانی‌هایی درباره نتیجه این رویکرد ابراز کرده و خواستار انتشار ارزیابی‌های زیست‌محیطی قبل از ادامه توسعه شده‌اند. با توجه به آنچه در دیگر نقاط دنیا روی داده است و تجربیات قابل درک و یادگیری آنها، من صدقانه و از صمیم قلب امیدوارم که اگر قرار باشد پایتخت ایران واقعا -و نه‌تنها به عنوان یک بحث و منافع صوری و زودگذر- از تهران به نقطه دیگری جابه‌جا شود، نمونه‌های تجربه‌شده دیگر جابه‌جایی‌ها در زمینه‌های مشابه به طور جدی و کافی بررسی شود. پیامدا -چه پیش‌بینی‌شده و چه غیرمنظره- مورد توجه جدی قرار گیرد و درس‌های آموخته‌شده دیگران به‌ویژه با توجه به هزینه‌های داده‌شده، در حدی جدی و منطقی به حساب آید. در غیر این صورت، نتایجی که به دست خواهد آمد، فاجعه‌بار خواهد بود. هیچ شکی در این اتفاق نباید وجود داشته باشد.

این بررسی در بخش دوم ادامه خواهد داشت.

#### افقی:

۱- مجموعه‌نامه‌های مولوی که به افراد مختلف نوشته است- موج- تخم‌مرغ انگلیسی
۲- اولین مجموعه‌داستان جومپلا لاهیری، نویسنده هندی- ستاره ۳- درختچه بادام کوهی- مقابل دریا- بیان عقیده ۴- از الفبای فارسی- ارتش قدیم- آبی تیره ۵- منحرف- پاینده ۶- اسب ماده- به‌جا‌آوردن- از جنس الیاف پنبه ۷- کوهی مشرف به ستندج- سرافراز- زمینه ۸- بدنام- شور و غوغا- شعله آتش ۹- فونداسیون- تأمین‌کننده معاش افراد خانواده- دل‌وایس ۱۰- هر که شد مجرم دل در حرم ... بماند- چاره‌اندیش- رهیافت ۱۱- محل تقاطع دو خیابان- قومی از نژاد سامی ۱۲- جای ذخیره‌کردن- درخت خرما- پراکنده‌کردن دشمن ۱۳- عبادت‌کردن- چاقوی آشپز‌خانه- روزنامه چاپ ترکیه ۱۴- عبادت‌کننده- وسیع‌ترین جزیره آفریقا ۱۵- روستا- مهم‌ترین محصول صادراتی کوبا- سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد

#### عمودی:

۱- به یکدیگر ساییده‌شده- دارای پیچ‌وخم- اندرز ۲- ظرف جوشاندن آب- بیماری افزایش فشار مایع درون کره چشم- مهم‌ترین وسیله ارتباطی شهرها ۳- رستم در خان ششم او را از بین برد- نام تعدادی از فراعنه مصر قدیم ۴- رودی در مازندران- عرصه- محل تعویض لباس روزشکاران ۵- دریا- مکان ملاقات- مغفرت ۶- استان مرزی افغانستان- عضو جوده- مخفف مشهدی ۷- حق حساب- انگشت اشاره- شیرینی سوغات کرمانشاه ۸- به رنگ دود-

پیش‌غذا- کمیاب ۹- نیکویی- سارق اماکن شلوغ- نوعی خاک ۱۰- کتف- عبادت غیرواجب- بررسی و پژوهش ۱۱- نام شش تن از فرمانروایان روسیه بود- داستان کوتاه- ضمیر غالب ۱۲- از طایفه‌های

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

#### جدول ۴۸۷۹ / طراح: بیژن گورانی

#### حل سودوکو ۳۸۷۴

۵	۹	۳	۴	۶	۲	۱	۸	۷
۸	۴	۶	۷	۱	۹	۵	۳	۲
۱	۷	۲	۸	۳	۴	۶	۹	۵
۲	۴	۱	۹	۵	۳	۶	۷	۸
۳	۶	۵	۳	۷	۱	۲	۹	۸
۷	۳	۸	۱	۹	۵	۶	۴	۲
۳	۵	۸	۱	۲	۷	۹	۴	۶
۹	۱	۴	۸	۳	۶	۷	۲	۵
۶	۲	۷	۹	۴	۵	۸	۱	۳

#### حل سودوکو ۳۸۷۴

۷	۴	۳	۶	۵	۸	۹	۱	۲
۹	۵	۴	۱	۲	۳	۲	۳	۸
۸	۲	۱	۳	۹	۶	۵	۴	۷
۲	۸	۷	۶	۱	۳	۵	۹	۴
۵	۱	۷	۳	۹	۲	۴	۶	۸
۳	۶	۹	۴	۲	۵	۸	۷	۱
۱	۳	۵	۶	۸	۷	۳	۹	۲
۶	۷	۹	۸	۵	۱	۲	۷	۴

#### حل جدول ۴۸۷۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

#### سودوکو سخت ۳۸۷۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

#### قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

#### سودوکو ساده ۳۸۷۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.